آمدی مثل نور و مثل سحر مثل روییدن گل خورشید
مثل یک چشمه ی زلال و روان که از آن آب زندگی جوشید
از لبانت چو رود جاری شد آیه های کتاب بیداری
ریخت بر چشمهای خواب آلود هر کلام تو آب بیداری
از حرا چون که آمدی بیرون قاصد مژده ی خدا بودی
برلبانت پیام رحمت بود بهترین بنده ی خدا بودی
آمدی تا شب ستمکاری برود نوبت سحر گردد
تا به دلهای خسته و تاریک نور ایمان و عشق برگردد

آمدی مثل نور و مثل سحر مثل روییدن گل خورشید
مثل یک چشمه ی زلال و روان که از آن آب زندگی جوشید
از لبانت چو رود جاری شد آیه های کتاب بیداری
ریخت بر چشمهای خواب آلود هر کلام تو آب بیداری
از حرا چون که آمدی بیرون قاصد مژده ی خدا بودی
برلبانت پیام رحمت بود بهترین بنده ی خدا بودی
آمدی تا شب ستمکاری برود نوبت سحر گردد
تا به دلهای خسته و تاریک نور ایمان و عشق برگردد

آمدی مثل نور و مثل سحر مثل روییدن گل خورشید
مثل یک چشمه ی زلال و روان که از آن آب زندگی جوشید
از لبانت چو رود جاری شد آیه های کتاب بیداری
ریخت بر چشمهای خواب آلود هر کلام تو آب بیداری
از حرا چون که آمدی بیرون قاصد مژده ی خدا بودی
برلبانت پیام رحمت بود بهترین بنده ی خدا بودی
آمدی تا شب ستمکاری برود نوبت سحر گردد
تا به دلهای خسته و تاریک نور ایمان و عشق برگردد

آمدی مثل نور و مثل سحر مثل روییدن گل خورشید
مثل یک چشمه ی زلال و روان که از آن آب زندگی جوشید
از لبانت چو رود جاری شد آیه های کتاب بیداری
ریخت بر چشمهای خواب آلود هر کلام تو آب بیداری
از حرا چون که آمدی بیرون قاصد مژده ی خدا بودی
برلبانت پیام رحمت بود بهترین بنده ی خدا بودی
آمدی تا شب ستمکاری برود نوبت سحر گردد
تا به دلهای خسته و تاریک نور ایمان و عشق برگردد

آمدی مثل نور و مثل سحر مثل روییدن گل خورشید
مثل یک چشمه ی زلال و روان که از آن آب زندگی جوشید
از لبانت چو رود جاری شد آیه های کتاب بیداری
ریخت بر چشمهای خواب آلود هر کلام تو آب بیداری
از حرا چون که آمدی بیرون قاصد مژده ی خدا بودی
برلبانت پیام رحمت بود بهترین بنده ی خدا بودی
آمدی تا شب ستمکاری برود نوبت سحر گردد
تا به دلهای خسته و تاریک نور ایمان و عشق برگردد

آمدی مثل نور و مثل سحر مثل روییدن گل خورشید
مثل یک چشمه ی زلال و روان که از آن آب زندگی جوشید
از لبانت چو رود جاری شد آیه های کتاب بیداری
ریخت بر چشمهای خواب آلود هر کلام تو آب بیداری
از حرا چون که آمدی بیرون قاصد مژده ی خدا بودی
برلبانت پیام رحمت بود بهترین بنده ی خدا بودی
آمدی تا شب ستمکاری برود نوبت سحر گردد
تا به دلهای خسته و تاریک نور ایمان و عشق برگردد

آمدی مثل نور و مثل سحر مثل روییدن گل خورشید
مثل یک چشمه ی زلال و روان که از آن آب زندگی جوشید
از لبانت چو رود جاری شد آیه های کتاب بیداری
ریخت بر چشمهای خواب آلود هر کلام تو آب بیداری
از حرا چون که آمدی بیرون قاصد مژده ی خدا بودی
برلبانت پیام رحمت بود بهترین بنده ی خدا بودی
آمدی تا شب ستمکاری برود نوبت سحر گردد
تا به دلهای خسته و تاریک نور ایمان و عشق برگردد

www.tabas-pishfar.ir